

اقتصاد

از چاه به راه

گذر از اقتصاد دهانی به اقتصاد مردمی

روزبه پیروز



سرشناسه: پیروز، روزبه، ۱۳۵۰ - / عنوان و نام پدیدآور: از چاه به راه، گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی /
روزبه پیروز. / مشخصات نشر: تهران: دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸. / مشخصات ظاهری: ۲۳۰ ص. / شابک: ۹۷۸-۵-۴۹۷۰۷۸-۶۰۰ / وضعیت فهرست نویسی: فیبا / عنوان دیگر: گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی. /
موضوع: ایران -- سیاست اقتصادی -- تاریخ / موضوع: narl -- ycilop cimonocE -- yrotsiH / موضوع: سیاست اقتصادی -- مشارکت شهروندان / موضوع: ycilop cimonocE -- noitapicitrapp nezitiC / رده بندی
کنگره: 574CH / رده بندی دیویی: ۳۳۸/۹۵۵ / شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۶۳۸۶۷

این کتاب را تقدیم می‌کنم به:

پدر بزرگم اسدالله پیروز که برای من الگوی کارآفرینی، تلاش، خوش بینی و اخلاق بود و به
مادر بزرگم فاطمه رستگار که به من یاد داد هر انسانی باید خودش را بسازد و زندگی تعامل
انسان است با دنیایی که در اطرافش قرار می‌گیرد.

از چاه به راه (گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی) / ناشر: انتشارات دنیای اقتصاد / مولف: روزبه پیروز /
طراح جلد: آرش صادقی ل.ن / صفحه آرا: مریم فتاحی / مدیر تولید: انوشه صادقی آزاد / نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹ /
شمارگان: ۵۰۰ نسخه / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۷-۰۷۸-۵ / چاپ: پردیس / تمام حقوق این اثر محفوظ و متعلق
به نشر دنیای اقتصاد است / نشانی فروشگاه و انتشارات: تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، ضلع شمال غربی میدان
شعاع، شماره ۱۰۸ / تلفن: ۸۷۷۶۲۷۴۷ / پست الکترونیک: book@den.ir / پایگاه اینترنتی: book.den.ir

www.ketab.ir

۷	مقدمه
۱۷	۲- مروری بر نقش دولت در اقتصاد در دنیای معاصر
۱۷	۱-۱- دوره سرمایه‌داری لیبرال کلاسیک
۱۹	۱-۲- دوره سرمایه‌داری سوسیالیست و دولت‌های رفاه
۲۸	۱-۳- دوره سرمایه‌داری لیبرال و مکتب شیکاگو
۳۰	۱-۳-۱- کشورهای غربی
۳۲	۱-۳-۲- کشورهای کمربند (بلوک شرق)
۴۰	۱-۳-۳- کشورهای در حال توسعه
۵۴	۱-۴- دوره مطرح شدن ایده حکمت‌مدار و خوب
۶۳	۲- مروری بر تجربه تاریخی نقش دولت در اقتصاد ایران
۶۴	۱-۲- دوره صفویه (تعادل سیستم اجتماعی و نظام اقتصادی)
۶۸	۲-۲- دوره قاجاریه (بی‌ثباتی سیاسی و ضعف نظام اقتصادی)
۷۵	۲-۳- دوره پهلوی (تشکیل دولت مطلقه و دولتی‌ساز شدن اقتصاد ایران)
۷۶	۲-۳-۱- پهلوی اول
۸۷	۲-۳-۲- پهلوی دوم
۱۰۲	۲-۴- دوره جمهوری اسلامی (ادامه اقتصاد دولتی و پیدایش اقتصاد شبه‌دولتی)
۱۰۵	۲-۴-۱- حاکمیت دوگانه شورای انقلاب و دولت موقت و تدوین قانون اساسی
۱۱۲	۲-۴-۲- بروز اختلاف و تجدیدنظر در برخی آموزه‌های فقهی
۱۲۹	۲-۴-۳- غلبه طرفداران اقتصاد دولتی در آغاز دهه ۶۰
۱۳۴	۲-۴-۴- غلبه طرفداران اقتصاد آزاد در اواخر دهه ۶۰ و آغاز سیاست‌های تعدیل اقتصادی
۱۴۴	۲-۵- پذیرش اقتصاد آزاد از سوی همه جناح‌ها به‌رغم شکست اجرای برنامه خصوصی‌سازی
۱۴۹	۲-۶- ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی
۱۵۷	۲-۷- پیدایش اقتصاد شبه‌دولتی (خصوصیتی) در ایران

این کتاب برای من یک ابتکار شخصی و حاصل تجربیات زندگی و فعالیت‌های کاری و مطالعات و تحصیلم در کشورهای مختلف بوده است. من در حال حاضر در ایران زندگی می‌کنم و انتخاب کردم در کشور خودم کار کنم. دلیل آن هم عشق و علاقه‌ام به ایران است و تصمیم گرفتم هدف اصلی زندگی و فعالیت‌م توسعه و پیشرفت ایران در زمینه اقتصادی باشد.

نخستین فعالیت اقتصادی، منسوجاتی برمی‌گردد که دانشجوی مقطع دکتری در دانشگاه آکسفورد بودم، در آن زمان به همراه هم‌دانشگاهی آلمانی‌ام یک شرکت در حوزه تجارت الکترونیک تأسیس کردیم و پس از آن دکترایم را رها کردم و به تجارت و کارآفرینی مشغول شدم. پس از مدتی، سرمایه شرکت ما به ۱۰۰ میلیون پوند رسید و به یک شرکت در بازارهای بزرگ دنیا تبدیل شد و من در سن ۲۷ سالگی توانستم برای خودم ثروتی توانمند ۱۵۰ پارسنل در سه کشور اروپایی داشتیم. زمانی که تصمیم گرفتیم این شرکت را به پارس ببریم، شرکت مخابرات ایتالیا این شرکت را از ما خرید.

من با ۵۰۰۰ پوند که مادر بزرگم به من داده بود، این تجارت را آغاز کردم و به سرعت توانستم کارم را توسعه دهم؛ در یک اقتصاد خصوصی، شرکت‌ها رشد می‌کنند و آزادی عمل دارند. به راحتی می‌توان در یک حرفه، مجوز فعالیت گرفت و شرایطی به وجود آورد که سرمایه‌گذاران تشویق به سرمایه‌گذاری

شوند و چون قوانین کار انعطاف‌پذیر هستند، راحت می‌توان استخدام کرد. ما به راحتی توانستیم بین‌المللی کار کنیم و وارد بازارهای دیگر شویم و بوروکراسی و قوانین دست‌وپاگیر و فسادآور سر راه ما نبود.

در سال ۱۹۹۷ پس از ۱۸ سال برای دیدار خانوادگی به ایران برگشتم. در ابتدا فکر می‌کردم شاید شرایط اینجا برای من دشوار باشد ولی وقتی وارد خیابان‌های تهران شدم، یک هیجان و حس خوب وجودم را فرا گرفت. خیابان‌های تهران پر از جنب و جوش و تحرک بود و دیدم مردم اطرافم از نظر ظاهر و زبان و فرهنگ، شبیه خودم هستند. تا آن زمان، جاهایی زندگی کرده بودم که اطرافیانم با خودم متفاوت بودند. این سفر برای من تجربه بسیار شیرین و درس‌آموزانه‌ای بود و پس از آن مسافرت، بیش‌ازپیش عاشق ایران شدم و تصمیم گرفتم به ایران بازگردم. پس از بازگشت به خارج نیز همیشه در ذهنم بود که چگونگی می‌توانم در نهایت برگردم در ایران زندگی و کار کنم.

به این نتیجه رسیدم که بهترین زمینه فعالیت، «جذب سرمایه خارجی» است، چون سرمایه‌گذاری، شا کلید توسعه است و من در آن تخصص داشتم. من هم در خارج کشور، تجربه و ارتباطات خوبی داشتم و هم ایرانی بودم. هدف ما این بود که ایران و امتیازات آن را برای دنیا تبلیغ کنیم و برای آن سرمایه جذب کنیم.

وقتی شرکت را فروختم، از مشاور مالی‌ام که یکی از بانک‌های سوئیس کار می‌کرد، خواستم صندوقی برای من پیدا کند که در ایران سرمایه‌گذاری کند. او تحقیق کرد و به من گفت صندوقی برای سرمایه‌گذاری در ایران وجود ندارد. من به او پیشنهاد دادم که چنین صندوقی را تأسیس کنیم. او ایده مرا پسندید. صندوق را راه انداختیم و سرمایه اولیه آن را من دادم. این اولین صندوق سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه ایران بود و به مرور به بزرگ‌ترین صندوق سرمایه‌گذاری خارجی بورس ایران تبدیل شد. بیش از ۱۰۰ سرمایه‌گذار خارجی حقوقی و حقیقی را وارد بازار سرمایه ایران کرد و عملاً فعالیت من در ایران به این شکل شروع شد. در این مقطع زندگی‌ام را به ایران

انتقال دادم و بعد از ۲۰ سال اقامت در خارج دوباره ساکن کشور خودم شدم. بعد از شروع فعالیت اقتصادی در کشور یکی از اولین تجربیاتم در یکی از شرکت‌های بیمه بود. زمانی که در ایران، دولت، شرکت‌های بیمه را خصوصی می‌کرد، تصمیم گرفتیم سهام یکی از این شرکت‌ها را بخریم. این شرکت یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های بیمه کشور بود و ما سهم قابل توجهی از آن را خریدیم. بعد از ورود به هیئت‌مدیره، متوجه شدم که اعضای هیئت‌مدیره، همه ما ایرانیان شرکت بودند و نظارت خارجی بر شرکت نبود؛ این موضوع با تجربیات قبلی من که اعضای هیئت‌مدیره‌ها عمدتاً مستقل و خارج از شرکت بودند، متفاوت بود.

علاوه بر ما، بخشی از سهام این شرکت را موسسات شبه‌دولتی خریده بودند و در حقیقت، تجربه‌ی در مدیریت این بیمه ایجاد نشده بود و این شرکت اسماً خصوصی شده بود. ما این دو سهامدار دیگر را نیز مثل گذشته معاون وزیر اقتصاد انتخاب می‌کرد. آنها مترجه شدم این شرکت منابع زیادی دارد اما سوددهی آن بسیار اندک است. بیمه بود آن از سرمایه‌گذاری منابع است و از فعالیت بیمه هیچ سودی نمی‌برد. در میان ۲۵۰۰ نفر پرسنل این شرکت، ۲۴۹۸ نفر در بیمه (بخش زیان‌ده) فعالیت می‌کردند و در قسمت سرمایه‌گذاری (بخش سودده) ۲ نفر مشغول به کار بودند. در این شرکت بزرگ، حتی یک اکچوئری (متخصصی که ریسک بیمه کردن را محاسبه می‌کند) وجود نداشت.

من در این شرکت مشاهده کردم که آن سرمایه‌گذاری که تمام درآمد این مجموعه از آن تامین می‌شود، به درستی انجام نمی‌شود و پیشنهاد دادم کمیته‌ای برای سرمایه‌گذاری تعیین شود و من این کار را ساماندهی کردم. این کمیته راه‌اندازی شد و من رئیس آن شدم و سعی کردم آن را سروسامان دهم ولی غیرممکن بود؛ چون آنها در هیئت‌مدیره ۳ نفر بودند و ما ۲ نفر. من راه‌حل را در این یافتیم که اکثریت شرکت را بخریم و با تامین اجتماعی صحبت کردیم اما پس از چند روز نماینده تامین اجتماعی مرا احضار کرد و به من گفتند وزیر وقت امور اقتصادی و دارایی مستقیماً دستور دادند این معامله لغو شود و گفتند